تأملی در زندگی و شعر خاوری شیرازی

سید مهدی نوریان

استاد دانشگاه اصفهان

سید علی‌اصغر میرباقری فرد

استادیار دانشگاه اصفهان

بهرام شعبانی*

چکیده

با روی کار آمدن فتحعلی‌شاه قاجار، شعر و شاعری نسبت به دوره‌های افشاریه و زندیه وضعیت مساعدتری پیدا کرد. شاه قاجار که خود شعر می‌سرود و خاقان تخلص می‌کرد، به حمایت از شاعران پرداخت و با شکل‌گیری کانون جدید نهضت بازگشت در تهران، شاعران بسیاری از گوشه و کنار ایران به پایتخت روی آوردند.

خاوری شیرازی یکی از شاعرانی است که از شیراز به تهران مهاجرت کرد و با تکیه بر استعداد ذاتی و ممارست در انشای نامه‌های دربار، تاریخ‌نگاری و شعرخوانی در محافل ادبی پایتخت از نویسندگان و شاعران نسبتاً صاحب‌نام عصر خود شد و آثار متعددی از جمله دیوانی حاوی بیش از هفت‌هزار بیت در قالب‌های مختلف شعری چون قصیده، غزل، ترکیب‌بند، مثنوی، قطعه و رباعی از خود به یادگار گذاشت. در این مقاله پس از بررسی مختصر وضعیت شعر در دوران افشاریه تا پایان دوران فتحعلی‌شاه، شرح حال، آثار، دیوان اشعار، گردآوری‌های دیوان و سبک شعری خاوری شیرازی به تفصیل تحلیل و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: دیوان اشعار، قالب شعری، سبک، آرایه‌های ادبی، بازگشت ادبی.

---

* دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان bahram.shaabani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۴/۳۰ **تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۰/۱۰**

مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۷، شماره ۶۵ پاییز ۱۳۸۸

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

۱. مقدمه

سقوط دولت صفوی ثبات سیاسی را در ایران برهم زد تا این‌که پس از مدتی، نادر حکومتی مقتدر در ایران بنیاد نهاد. وی به شعر و شاعران اعتنایی نداشت. کریم‌خان نیز از شاعران حمایت چندانی نمی‌کرد اما ثروت‌هایی که نادر از هندوستان آورده بود و اموالی که افغان‌ها از ایران خارج نکرده بودند، همراه با کتاب‌ها و دیوان‌های شعر که تا اواخر دوره صفویه عمدتاً مردم از آن محروم بودند در دوران نسبتاً آرام حکومت کریم‌خان به دست مردم افتاد و زمینه‌ای فراهم کرد تا شاعرانی در شیراز و اصفهان گرد هم آیند و محافلی ادبی در این دو شهر تشکیل دهند. با شروع سلطنت فتحعلی‌شاه که حکومتِ کم و بیش تثبیت شده و سپردن حکومت‌های محلی به فرزندانش، فرصت زندگی شاهانه را برایش فراهم آورده بود، مجامع ادبی به تهران منتقل و بنیان آن تحکیم و تجدید گردید. فتحعلی‌شاه شاعر بود، تاریخ می‌دانست و از دربار غزنویان نیز باخبر بود؛ از این رو تشویق‌ها و حمایت‌های او و دیگر شاهزادگان قاجار از شاعران، بازار شعر و شاعری را رونق تازه‌ای داد. محمدشاه نیز اگرچه شاعر نبود اما سیرهٔ پدربزرگ خود را از دست نداد[۱].

خاوری شیرازی از جمله شاعرانی است که عهد فتحعلی‌شاه و نیمی از دوران محمدشاه را دریافت. انشای نامه‌های دربار، نوشتن وقایع روزانه حکومت قاجار و شعرخوانی در حضور فتحعلی‌شاه، ممارست‌هایی بود که باعث شد آثار متعدد و قابل توجهی در شعر و نثر از او به یادگار ماند. در این تحقیق علاوه بر معرفی مختصر شاعر و آثارش، دیوان اشعار و سبک شعری وی به تفصیل تحلیل و بررسی می‌شود.

۲. شرح حال

میرزا فضل‌الله حسینی شیرازی متخلص به خاوری، از سادات جلیل‌القدر حسینی دارالعلم شیراز و از شاعران، نویسندگان و منشیان دربار در قرن سیزده هجری است که به گفته خودش در سال ۱۱۹۹ در شیراز پا به عرصه حیات نهاد:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

چون مرا دریافت در قنداقهٔ راحت به خـواب جدّ اُمی آن‌که در ملک طریقت پادشاه
کـرد فضل‌اللـه نـام و از پـی تـاریـخ مـن گفت بادا داد ایـزد یار با فضـل الـه[۲]
(مک ۲۲٤ الف)

محمود بن محمد دنبلی متخلص به خاور، از درباریان و شاعران معاصر خاوری که خود را از دوستان وی معرفی نموده، در مقدمهٔ نسبتاً جامعی که بر *دیوان* خاوری نوشته، تاریخ تولد او را با دقت بیشتری نقل کرده است:

«میرزای معظم الیه از عظمای سادات حسینی دارالعلم شیراز است و ابا عن جد از اعیان و اشراف آن بلدهٔ لازم‌الاعزاز در یوم‌الخمیس تاسع شهر صفرالمظفر سنهٔ یک هزار و یکصد و نود و نه بعد از انقضای پنج ساعت و دو دقیقه که هنگام وصول نیّر اعظم به درجه کمال بود در بلدهٔ طیبهٔ مذکور به طالع اسد وجود عاقبت محمودش جلوه‌گر عرصهٔ شهود و شاهد امکانش متمکن مسند وجود آمد» (اس ۲ ب).

پدرش میرزا عبدالنبی شیرازی ملقب به سلطان‌الاولیاء است که نسبش با چهار واسطه به علامه میرسیدشریف جرجانی می‌رسد و مادرش فاطمه، دختر ارشد آقا محمدهاشم درویش، از بطن صبیهٔ سید قطب‌الدین (ملکة النساء) بوده است.

اغلب تذکره‌نویسان عصر قاجار از خاوری و خاندانش به نیکی یاد کرده، به تفصیل در این باره سخن گفته‌اند.[۳]

میرزا فضل‌الله در جوانی خوش‌نویسی، مقدمات زبان عربی و برخی فنون منطق و حکمت را در شیراز آموخت و هنگامی که شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرمای مملکت فارس شد و تمایل وی را به شعر و سخنوری دانست، به او تخلص ″خاوری″ داد.

در سال ۱۲۲۲ هجری تولیت آستان مقدس احمد بن موسی (ع) توسط عموزادگان خاوری از دست خانوادهٔ وی خارج و در اموال موقوفه آنان تصرفاتی شد و خاوری در اثر این ماجرا در بیست و سه سالگی به تهران عزیمت کرد. در تهران با محمود بن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

محمد دنبلی متخلص به خاور، نویسنده مقدمه دیوان او، آشنا شد و او خاوری را به حضور میرزا محمدشفیع مازندرانی وزیر راهنمایی نمود.

شاعر قصیده‌ای در مدح میرزا محمد شفیع مازندرانی سرود و بدین ترتیب به سمت منشی صدراعظم منصوب گردید. حسن امانت، دیانت و کاردانی وی اعتماد روزافزون وزیر را جلب کرد تا آن‌جا که گاه‌گاه در دربار فتحعلی‌شاه از او یاد می‌کرد و سرانجام به استدعای او، خاوری در سلک منشیان دیوان همایون استقرار یافت. در سال ۱۲۳٤ق. میرزا محمد شفیع به جوار رحمت حق پیوست و همایون میرزا با تنها دختر وی ازدواج نمود و خاوری به سبب آشنایی با این خانواده، به وزارت همایون میرزا ارتقا یافت.

پس از چهار سال اشتغال در این کار، به استصواب میرزا سیدعبدالوهاب نشاط (معتمدالدوله)، جانشین میرزا محمد شفیع وزیر، به منصب ملفوفه‌نگاری خاص فتحعلی‌شاه انتخاب شد. چندی نیز در این سمت بود تا این‌که با حکم فتحعلی‌شاه حکومت ولایت لرستان و نهاوند به شاهزادگان همایون میرزا و محمود میرزا سپرده شد و خاوری وزارت آنان را بر عهده گرفت. پس از گذشت سه سال در اثر سعایت دشمنان مدت هفت ماه در قلعه رویین‌دژ نهاوند، از مستحدثات نواب محمود میرزا محبوس گردید و اندوختهٔ سی‌ساله‌اش که تقریباً معادل سی‌هزار تومان رایج بود، از صامت و ناطق به ضبط شاهزاده همایون میرزا درآمد.

با برکناری خاوری، شیرازهٔ حکومت دو شاهزاده از هم پاشید و اعتبارشان نزد فتحعلی‌شاه از دست رفت و خاوری از حبس آزاد و دوباره به منصب ملفوفه‌نگاری خاص فتحعلی‌شاه انتخاب شد.

پس از فوت فتحعلی‌شاه تا اواسط حکومت محمدشاه نیز به خدمات درباری مشغول بود تا آن‌که توانست با حکم فرهاد میرزا تولیت آستان مقدس احمد بن موسی(ع) را که نزدیک به چهل سال در تصرف عموزادگانش بود، بازپس بگیرد و سال‌های پایانی عمر را به خدمت در این آستان مقدس بپردازد (خاوری، ۱۳٦۲: ۳۹٤).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

و «سرانجام در سال ۱۲۶۷ رحلت کرده، حسب‌الوصیت این رباعی خودش را بر سنگ مزارش نوشتند:

ای آن‌که ز درد تو فگاریم همه — پیش تو به عجز و انکساریم همه
از کرده خویش شرمساریم تمام — وز رحمت تو امیدواریم همه»
(دیوان‌بیگی، ۱۳٦٤: ۵۳۷)

۳. آثار

۳. ۱. تاریخ ذوالقرنین

این کتاب از منابع دست اول تحقیقی در عهد فتحعلی‌شاه قاجار است که به سبک سال‌نامه در دو جلد تألیف شده؛ جلد اول را *نامهٔ خاقان* نامیده که در تاریخ قاجاریه از آغاز تا سال ۱۲٤۲هجری است. جلد دوم *رسالهٔ صاحب‌قران* نام دارد که در وقایع سال‌های ۱۲٤۳ تا پایان دوران فتحعلی‌شاه به اضافهٔ بخشی از وقایع سلطنت محمدشاه قاجار است. *تاریخ ذوالقرنین* از جهات تاریخی و ادبی از آثار ارزشمند اوایل دوره قاجاریه است.[٤]

بعد از مرگ فتحعلی‌شاه، مؤلف این کتاب را خلاصه کرده وآن را *تذکرهٔ خاوری* نامیده است. این تذکره در سال ۱۳۷۹ به تصحیح میرهاشم محدث توسّط انتشارات زنگان چاپ و منتشر شده است.

۳. ۲. موادالتواریخ

کتابی است شامل ماده تاریخ‌های منظوم خاوری در وقایع مختلف. در میان کسانی که دربارهٔ خاوری مطالبی نوشته‌اند، تنها اسدالله خاوری در *ذهبیه تصوف علمی ـ آثار ادبی* به این اثر وی اشاره کرده است.[۵]

۳. ۳. تاریخ حیات یا اب‌التواریخ

در دو باب تألیف شده که باب دوم از حیث اشتمال بر جزئیات امر تولیت آستان مقدس احمدبن موسی (ع) از شروع تا حیات نگارنده ارزشی خاص دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

۳. ٤. احسن‌القصص یا یوسف و زلیخا

این منظومه از آثار معروف خاوری است که شاعر آن را در سال ۱۲٤۰ ق در استقبال از منظومهٔ *یوسف و زلیخای* جامی سروده و شامل هفت هزار بیت است.[٦]

۳. ۵. سفرنامه خاوری

مؤلف *ذهبیه تصوف علمی ـ آثار ادبی* در کنار *تاریخ ذوالقرنین* و *دیوان* اشعار از این اثر خاوری نیز یاد کرده است (خاوری، ۱۳٦۲: ۳۲۸). خاوری در این کتاب از شاعرانی که در سفرهایش با آن‌ها دیدار داشته نام برده و این موضوع بر اهمیت کتاب افزوده است.

۳. ٦. دیوان اشعار

معروف‌ترین اثر خاوری *دیوان* اشعار اوست که از آن با عنوان *مهر خاوری* نیز یاد شده است. تمامی تذکره‌نویسانی که از وی یاد کرده‌اند به این *دیوان* نیز اشاره نموده، ابیاتی از آن آورده‌اند. نظریات متفاوتی که تذکره‌نویسان هم‌عصر شاعر درباره تعداد ابیات این *دیوان* ابراز نموده‌اند قابل تأمل است؛ به‌طوری که فاضل‌خان گروسی از چهارهزار بیت، عبدالرزاق بیگ دنبلی از پنج هزار بیت، دیوان‌بیگی از هفت هزار بیت و محمود میرزا قاجار از ده هزار بیت سخن گفته‌اند.[۷]

به نظر می‌آید این اختلاف نظرها از تعدد کتابت‌ها و گردآوری‌های *دیوان* شاعر در سال‌های مختلف ناشی شده که در ذیل به آن می‌پردازیم:

اولین گردآوری و کتابت را محمدقلی بن محمد صالح لاریجانی بهرستاقی در بیست و دوم ربیع‌الاول ۱۲٤۱ به انجام رسانده که تعداد قابل توجهی از صفحات مقدمه، قصاید و غزلیات آن افتاده؛ ضمن این‌که این مجموعه اصولاً بسیاری از اشعار کتابت‌های بعدی *دیوان* را در بر ندارد و کمتر از پنج هزار بیت را شامل می‌شود. این مجموعه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

همین کاتب در جمادی‌الثانی و شوّال سال ۱۲۴۲ دو کتابت دیگر از این *دیوان* به انجام رسانده که کتابت جمادی‌الثانی در کتابخانهٔ ملی ملک و کتابت شوّال در کتابخانهٔ ملی تبریز نگهداری می‌شود. تعداد ابیات این دو نسخه با آن‌که در یک سال و توسط یک شخص گردآوری شده‌اند بسیار متفاوت است. دلیل این تفاوت آن است که کاتب بعدها در حواشی نسخه‌ای که در کتابخانهٔ ملی ملک نگهداری می‌شود غزلیات، قطعات، مثنویات و رباعیات جدید خاوری را که بالغ بر دوهزار بیت می‌گردد به اصل کتابت افزوده و بدین ترتیب یکی پنج هزار بیت و دیگری هفت هزار و پانصد بیت را شامل می‌شود.

محمدعلی بن محمد سعید گلپایگانی نیز نسخه‌ای از *دیوان* خاوری را در رجب سال ۱۲۴۹ نوشته که اکنون در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. این مجموعه شامل پنج هزار بیت است و بسیاری از اشعار کتابت بعد را ندارد.

مجموعه‌ای از اشعار شاعر نیز توسط کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۶ خریداری گردیده که در آن تصریح شده نسخه به خط خود شاعر است. اما متأسفانه به علت افتادگی پایان آن، تاریخ کتابت مشخص نیست. اشعار این مجموعه مشوش است و علت این تشویش، آن است که شاعر بعد از پاکنویس متن، اشعاری با قافیه‌های مختلف سروده و در حواشی افزوده است و ظاهراً قصد داشته آن‌ها را در مجموعه‌ای دیگر تنظیم کند. این مجموعه اکنون در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و بیش از هفت هزار بیت دارد.

آخرین گردآوری معتبر در تاریخ دوشنبه دوازدهم صفر ۱۲۵۴ به خط خود شاعر در تهران اختتام یافته و مجموعه‌ای منظم و منسجم از اشعار شاعر است که به ترتیب الفبا تنظیم گردیده است. به نظر می‌آید در این مجموعه حواشی دو کتابت قبل مرتب و منظم شده است؛ البته تعدادی غزل و قطعه از دو مجموعهٔ قبل در این گردآوری موجود نیست که شاعر یا نخواسته و یا فراموش کرده آن‌ها را در مجموعهٔ نهایی بیاورد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

این مجموعه نیز بیش از هفت هزار بیت دارد و در کتابخانهٔ اصغر مهدوی در تهران نگهداری می‌شود.

این *دیوان* شامل یک مقدمه، قصاید، یک ترکیب‌بند، غزلیات، قطعات، مثنویات و رباعیات است:

۳. ٦. ۱. مقدمه: شامل دوازده صفحه به نثر است که در ابتدای تمامی نسخه‌های معتبر آمده و تقریباً مشابه است و یکی از دوستان خاوری به نام محمود بن محمد دنبلی متخلص به خاور آن را تدوین نموده است. وی نکات ارزشمندی را از زندگی خاوری هم‌چون سال، ماه، روز و ساعت دقیق تولد، خانواده، تحصیلات مقدماتی، علت مهاجرت به تهران و چگونگی آشنایی با صدراعظم وقت و متعاقب آن انتصاب او به ملفوفه‌نگاری خاص دربار فتحعلی‌شاه، وزارت شاهزادگان همایون میرزا و محمود میرزا در نهاوند، حبس چندین ماهه به دستور همایون میرزا و در نهایت شعرخوانی او در حضور فتحعلی‌شاه روشن ساخته است. مقایسهٔ متن و محتوای این مقدمه با مطالبی که تذکره‌نویسان عصر قاجار دربارهٔ خاوری نوشته‌اند، نشان می‌دهد که اغلب آنان تحت تأثیر این مقدمه بوده‌اند.

۳. ٦. ۲. قصاید: تعداد قصاید سی و سه و تعداد ابیات آن هزار و چهارصد و بیست بیت است. به استثنای قصیدهٔ اول که در توحید باری تعالی است، مدح شاهان، شاهزادگان، وزرا و برخی رجال عصر فتحعلی‌شاه و نیمی از دوران محمدشاه، موضوعات اصلی قصاید را تشکیل می‌دهند. قصاید اغلب با تشبیب و تغزل آغاز می‌شوند و موضوعات عمدهٔ تغزلات او را توصیف نوروز، توصیف بهار، توصیف شراب، توصیف قلم و شعر شامل می‌شوند. نزدیک به نیمی از قصاید با شریطه پایان می‌پذیرند و شریطه‌ها از لحاظ لفظ و محتوا متنوع‌اند، اما از لحاظ تعداد ابیات بیشتر دو بیت و البته گاه تا هفت بیت را در بر می‌گیرند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

بسیاری از تذکره‌نویسان عصر قاجار دربارهٔ قصاید خاوری اظهار نظر کرده، نمونه‌هایی را نیز آورده‌اند.[۸]

سادگی و روانی، کاربرد اوزان مطبوع و روان، استفادهٔ معمولی از آرایه‌هایی چون تشبیه، تضاد، تناسب، ساختن برخی مضامین ساده و تازه و تقلید از قصیده‌سرایان سبک خراسانی و عراقی از ویژگی‌های قصاید اوست.

۳. ٦. ۳. ترکیب‌بند: در *دیوان* خاوری یک ترکیب‌بند وجود دارد که در تهنیت ورود فتحعلی‌شاه به دارالخلافهٔ تهران است. این شعر شامل پنج بند و حدود پنجاه بیت است و موضوع آن مدایح و توصیفاتی اغراق‌آمیز از فتحعلی‌شاه قاجار است.

۳. ٦. ٤. غزلیات: بیشترین، مهم‌ترین و زیباترین بخش *دیوان* را غزلیات تشکیل می‌دهد. این بخش شامل چهارصد و هشتاد و یک غزل و پنج هزار و هفتصد بیت است. تذکره‌نویسان معروف عصر قاجار از غزل خاوری نیز یاد کرده، شیوهٔ غزل‌سرایی او را ستوده‌اند.[۹]

توحید باری‌تعالی، عشق مجازی، مدح، توصیف و نوعی عرفان ابتدایی موضوعات اصلی غزلیات خاوری است. در غزل نیز هم‌چون قصیده به شعر شاعران گذشته به‌ویژه حافظ نظر داشته، ضمن آن‌که در بسیاری از غزلیات ابداعات قابل توجهی نیز داشته است. روانی و سادگی، ابداع مضامین تازه و ترکیبات خاص، کاربرد اوزان روان و مطبوع، وجود تضادهای لغوی و فعلی، تلمیح به وقایع تاریخی و داستان‌های دینی، طرح موضوع تقابل عشق و عقل و استفادهٔ معمول از آرایه‌های شعری ویژگی‌های عمده غزلیات خاوری است.

۳. ٦. ۵. قطعات: نود و شش قطعه در *دیوان* خاوری موجود است که هفتصد و شصت و چهار بیت را شامل می‌شود. ارزش اصلی قطعات به ماده تاریخ‌هایی است که در ضمن این اشعار آمده و گاه موضوعات تاریخی مهمی را تبیین می‌نماید. تاریخ تولد و نام‌گذاری شاعر، تاریخ فوت فتحعلی‌شاه قاجار، تاریخ فوت عباس میرزا، تاریخ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

جلوس محمدشاه، تاریخ فوت میرزا عبدالنبی، پدر شاعر، از جمله موضوعات مهمی است که در این اشعار مطرح شده است.

به‌طورکلی مصیبت حضرت سیدالشهداء(ع)، تاریخ جلوس و وفات چند تن از شاهان و شاهزادگان قاجار، تاریخ وفات بعضی رجال سیاسی و دینی، تاریخ تولد خود و بعضی از دوستان، تاریخ وفات برخی نزدیکان، تاریخ احداث برخی بناها، حسن طلب و شکوه و گلایه موضوعات اصلی قطعات خاوری را تشکیل می‌دهد. قطعات نیز به لحاظ سبک اشعاری روان و ساده‌اند.

۳. ٦. ٦. مثنویات: در *دیوان* خاوری یازده مثنوی وجود دارد که یکصد و نود و چهار بیت را شامل می‌شود. این بخش را می‌توان کم اهمیت‌ترین قسمت *دیوان* قلمداد کرد؛ زیرا هم به لحاظ ارزش ادبی و هم به لحاظ محتوا قابلیت چندانی ندارد. توصیف تمثال فتحعلی‌شاه قاجار، توصیف گرمای راه در مراجعت شاعر از خراسان به سمنان و تعریف و تمجید از ایران از جمله موضوعاتی است که در مثنوی‌ها مطرح شده است.

۳. ٦. ۷. رباعیات: یکصد و سی و هشت رباعی پایان‌بخش *دیوان* خاوری شیرازی است؛ این بخش از *دیوان* نیز موضوعات مختلفی را در برمی‌گیرد. عشق، مسایل سطحی عاشقانه، پند و اندرز، توصیف شراب، برخی مسایل دینی و فلسفی، هجو، مدح و نکوهش ریا موضوعات اصلی رباعیات خاوری است. در رباعی نیز خاوری به شاعران گذشته به‌ویژه خیام نظر داشته و هم‌چون غزل و قصیده اشعار ساده‌ای از خود به یادگار گذاشته است.

٤. سبک شعری

در اواخر دورهٔ افشاریه گروهی از شاعران به رهبری میر سیدعلی مشتاق اصفهانی در اصفهان انجمنی را تشکیل دادند و با تقلید از شیوهٔ استادان قدیم شعر فارسی به ترویج طرزی در شعر پرداختند که بعدها در تاریخ ادب فارسی با نام‌هایی چون "مکتب بازگشت"، "دورهٔ بازگشت" و "نهضت بازگشت" شناخته شد. اگرچه ویژگی‌های این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

طرز شعری را در شعر شاعران قبل نیز می‌توان یافت، اما به طور رسمی شروع آن را باید همین آغاز فعالیت انجمن ادبی مشتاق به حساب آورد. دورهٔ بازگشت را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد:

مرحلهٔ اول از زمان انجمن مشتاق آغاز شد و تا جلوس فتحعلی‌شاه ادامه یافت. مشتاق اصفهانی، سید محمد شعله و میرزا محمد نصیر جهرمی اصفهانی که پیشگامان نهضت بازگشت محسوب می‌شوند، از شاعران مهم و تأثیرگذار این مرحله‌اند و آذر بیگدلی، هاتف اصفهانی، صهبا و... ادامه‌دهندگان بعدی آن بودند. در این مرحله اصفهان و شیراز کانون‌های عمدهٔ محافل ادبی بودند و تقلید از استادان قدیم شعر فارسی اصل عمدهٔ مورد توجه شاعران بود.

مرحلهٔ دوم از زمان روی کار آمدن فتحعلی‌شاه آغاز شد و تا ابتدای حکومت مظفرالدین شاه، یعنی انقلاب مشروطه ادامه یافت. در این مرحله شاهان قاجار از شاعران حمایت بیشتری کردند و محافل ادبی به تشویق دربار تأسیس شد. انجمن‌های ادبی به تهران منتقل گردید و شاعران بر اساس میزان توانایی در سخنوری و نیز نوع رابطه با ارباب قدرت به القابی هم‌چون ملک‌الشعرا، مجتهدالشعرا و شمس‌الشعرا دست یافتند و از صله‌های فراوانی برخوردار شدند. صبای کاشانی، سحاب اصفهانی، نشاط اصفهانی، مجمر اصفهانی، وصال شیرازی، قاآنی شیرازی، سروش اصفهانی و فتح‌الله خان شیبانی شاعران معروف مرحله دوم بازگشت ادبی هستند (میرباقری فرد، ۱۳۸٤: ٦٨٣ – ٦٨٧).

خاوری شیرازی نیز از نثرنویسان[۱۰] و شاعران مرحله دوم بازگشت ادبی است که در دربار فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار جایگاه و احترامی داشت و در سخنوری و نویسندگی مورد تأیید میرزا سیدعبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اصفهانی بود. وی نیز در شعر و نثر این دوره آثار ارزشمند و قابل تأملی دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

تقلید از شاعران سبک خراسانی و عراقی، اعتدال در به‌کارگیری آرایه‌های ادبی، نوعی پختگی معمولی، سادگی و روانی، تعقید، حذف‌های نابه‌جا و عدم ترتیب اجزای جمله، از ویژگی‌های مثبت و منفی دورهٔ بازگشت ادبی است (بهار،۱۳۱۱: ۷۱٦-۷۱۹).

این ویژگی‌ها در شعر خاوری نیز قابل تحلیل و بررسی است:

٤. ۱. تقلید یا تأثیرپذیری از پیشینیان

خاوری نیز مانند دیگر شاعران دورهٔ بازگشت در تمامی قالب‌های شعری خصوصاً قصیده، غزل و رباعی به شعر شاعران سبک خراسانی و عراقی نظر داشته و به شکل‌های مختلف از شعر آنان سود جسته است؛ شاعرانی که تأثیر آنان با توجه به شواهد آشکار و قابل توجه است به ترتیب اهمیت و میزان تأثیر عبارت‌اند از:

٤. ۱. حافظ: تأثیرپذیری خاوری از حافظ، بیش از شاعران دیگر محسوس است. وجود غزلیات مشابه در وزن و قافیه، مضامین و مفاهیم مشترک و برخی تضمین‌های خاوری از حافظ که در زیر مواردی از آن نقل می‌شود این تأثیرپذیری را مسلم می‌دارد.

الف) غزلیات مشابه در وزن و قافیه (بیت‌های مطلع نقل می‌شود)

حافظ:

آن ترک پری‌چهره که دوش از بر ما رفت — آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت
(حافظ، ۱۳٦۲: ۱۸۰)

خاوری:

دوش آن بت سرمست ز کاشانهٔ ما رفت — غیرش به کمین بود ندانم به کجا رفت
(اس ۷۰ ب)

حافظ:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد — آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد
(حافظ، ۱۳٦۲: ۲۸۸)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

خاوری:

دل چو در میکدهٔ عشق تـو مـأوا مـی‌کـرد خنده بر ساقی و پیمانه و صهبا می‌کـرد
(اس ۹۰ الف)

ب) مضامین و مفاهیم مشترک:

حافظ:

سـاقی بیـار بـاده کـه مـاه صـیام رفـت در ده قدح که موسم ناموس و نام رفت
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۸۴)

خاوری:

روزه شـد نوبـت جـام اسـت بیـا گـردش مـاه بـه کـام اسـت بـیا
(اس ۵۶ الف)

حافظ:

زاهد ظاهرپرست از حال مـا آگـاه نیـست در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۶۰)

خاوری:

الفت مرا به زاهـد صـورت‌پرسـت نیـست آری ز بت‌تراش بـود بـت‌شـکن جـدا
(اس ۵۶ الف)

در غزلی نیز مصراع دوم بیت حافظ را تضمین کرده است:

حافظ:

گر به دیوان غزل صدر نـشینم چـه عجـب سال‌ها بنـدگی صـاحب دیـوان کـردم
(حافظ، ۱۳۶۲: ۶۴۰)

خاوری:

سـال‌هـا بنـدگی صـاحب دیـوان کـردم تاکنون تـربیتش صـاحب دیـوانم کـرد
(اس ۸۹ ب)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

٤. ۱. ۲. سعدی: استاد غزل، سعدی شیرازی، نیز در شعرسرایی خاوری تأثیر به‌سزایی داشته است؛ علاوه بر موضوعاتی کلی چون پرداختن به عشق مجازی، تواضع بیش از حد در مقابل معشوق مجازی، سادگی و در عین حال استواری بیان، که در غزلیات هر دو شاعر محسوس است، مضامین و تعابیر مشابه و غزلیات هم‌وزن و قافیه با غزلیات سعدی نیز در *دیوان* خاوری فراوان است.

الف) غزلیات مشابه در وزن و قافیه (مطلع غزلیات نقل می‌شود)

سعدی:

لاابالی چه کند دفتر دانایی را — طاقت وعظ نباشد سر سودایی را

(سعدی، ۱۳٦٦: ٤۱۸)

خاوری:

لازم عشق نمود این همه رسوایی را — آن که می‌داد به حسن آن همه زیبایی را

(اس ۵۳ الف)

سعدی:

برخیز تا یکسو نهیم این دلق ازرق فام را — بر باد قلاشی دهیم این شرک تقوی نام را

(سعدی، ۱۳٦٦: ٤۱٦)

خاوری:

ساقی به دور انداختی آن جام ازرق فام را — بدنام دوران ساختی این رند درد آشام را

(اس ٤۹ ب)

ب) مضامین و تعابیر مشابه:

سعدی:

دهانش ار چه نبینی مگر به وقت سخن — چون نیک درنگری چون دلم به تنگی نیست

(سعدی، ۱۳٦٦: ٤۵۸)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

خاوری:

بعد قرنی یک سخن می‌گوید آن هم ناتمـام کوری چشمی که می‌گوید دهانش تنگ نیـست
(اس ۷۳ ب)

در قطعه‌ای نیز مصراع معروف سعدی را تضمین کرده است:

در انتظار بخشش تو چشم خـاوری چون گوش روزه‌دار بر الله‌اکبر اسـت
(اس ۱۵۷ الف)

٤. ۱. ۳. **خاقانی**: تأثیرپذیری خاوری از خاقـانی بیـشتر در قـصاید اوسـت. اگرچـه به‌طور کلی شعر خاوری ساده و روان و به دور از پیچیدگی‌های شعر خاقانی اسـت، امـا در مواردی توجه خاوری به شعر خاقانی کاملاً محـرز اسـت. وجـود قـصاید هـم‌وزن و قافیه با قصاید خاقانی در *دیوان* خاوری و نیز برخی مضامین و ترکیبات مشابه در اشـعار دو شاعر گواه این مدعاست.

الف) قصاید مشابه در وزن و قافیه (بیت‌های مطلع نقل می‌شود)

خاقانی:

مرا دل پیر تعلیم است و من طفـل زبـان‌دانـش دم تسـلیم سرْ عشر و سر زانـو دبـستانش
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۲۰۹)

خاوری:

طریقت ملک جاوید و محمدشاه سلطانش چه سلطان عرصهٔ ملک حقیقت زیر فرمـانش
(اس ۲۷ ب)

خاقانی:

صـبح‌وارم کآفتـابی در نهـان آورده‌ام آفتـابم کـز دم عیـسی نـشان آورده‌ام
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۲٥٤)

خاوری:

دوش آمد قاصدی گفتا که جـان آورده‌ام بهر جـان تعویـذی از جـان جهـان آورده‌ام
(اس ۳۱ الف)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

ب) مضامین و مفاهیم مشابه:

خاقانی:

منصفان استاد دانندم که در معنی و لفظ شیوهٔ تازه نه رسم باستان آورده‌ام
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۲۵۸)

خاوری:

شیوه‌ای در نظم بنهادم که از طرز سخن صد خلل در داستان باستان آورده‌ام
(اس ۳۲ الف)

در غزلیات خاوری نیز مفاهیم و مضامین مشابه با اشعار خاقانی یافت می‌شود:

خاقانی:

بر روی سگ کوی ز داغ تو نشان است بر روی دلم باد نشان سگ کویت
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۵۷۵)

خاوری:

با سگ او همسریم آرزوست بنده‌ام و سروریم آرزوست
(اس ٦٨ الف)

خاقانی:

شکسته‌دل‌تر از آن ساغر بلورینم که در میانهٔ خارا کنی ز دست رها
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۳۰)

خاوری:

دلم را چشم مستی داده از دست چو آن ساغر که از دست افکند مست
(اس ۵۸ ب)

٤. ۱. ٤. **عثمان مختاری**: قصاید هم‌وزن و قافیه با قصاید این شاعر نیز در *دیوان* خاوری آمده است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

عثمان مختاری:

مسلمان کردن آیین کرد چشم نامسلمانش به نوک ناوک مژگان که پرزهر است پیکانش
(عثمان مختاری، ۱۳۸۲: ۲۳۷)

خاوری:

طریقت ملک جاوید و محمدشاه سلطانش چه سلطان عرصه ملک حقیقت زیر فرمانش
(اس ۷ ب)

٤. ۱. ۵. **انوری**: خاوری در قصیده‌ای از این شاعر مداح قرن ششم یاد کرده و روح او را شرمسار مدایح خود دانسته است:

آفتاب برج شاهنشه تقی شه کز ثناش روح پاک انوری را شرمسار آورده‌ام
(اس ۳۰ الف)

اگرچه معدود قصایدی در *دیوان* خاوری یافت می‌شود که با قصاید انوری هم‌وزن و قافیه‌اند، اما تشابه قصاید این دو شاعر اغلب در مدایح اغراق‌آمیزی است که آن دو از حاکمان روزگار خویش کرده‌اند؛ خاوری در قصیده‌ای در مدح محمدشاه قاجار تا آن‌جا پیش می‌رود که به شکلی مبالغه‌آمیز او را ثانی پیامبر اکرم (ص) می‌داند:

حقیقت خواهی ار دانی محمد را بود ثانی همین برهان بود کافی که باشد تیغ برهانش
(اس ۲۷ ب)

انوری نیز در ابیات زیر سلطان سنجر را در سیرت شبیه پیامبر(ص) و در نام همنام آن حضرت دانسته است:

شاد باش ای مصطفی سیرت خداوند این منم کز قبول حضرتت اقبال حسان یافته
(انوری، ۱۳۷٦: ٤۲۹)

شاه احمدنام موسی معرکه شاه یوسف صدق یحیی انتباه
(همان، ٤۰۸)

٤. ۱. ٦. **عطار**: غزلیات هم‌وزن و قافیه با غزلیات عطار نیز در *دیوان* خاوری آمده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

عطار:

آتش عشق تو در جان خوشتر است جان ز عشقت آتش‌افشان خوشتر است
(عطار، ۱۳۷۱: ٤٥)

خاوری:

درد عشق دوست در جان خوشتر است این چنین دردم ز درمان خوشتر است
(اس ٧٤ ب)

٤. ١. ٧. **جامی**: خاوری در غزلی با مطلع:

ز دوری آن روی و از ذوق آن در دل از آه و زاری در آب و در آذر
(اس ٩٦ الف)

که به قول شاعر کلمات آن در بیت اول یک حرفی است؛ یعنی حروف کلمات جدا هستند و به ترتیب تا بیت پنجم پنج‌حرفی می‌شوند متذکر شده که فقط جامی بدین‌سان سخن گفته است:

بدین‌سان سخن خاوری غیر جامی نگفته کس از شاعران سخنور
(اس ٩٦ الف)

٤. ١. ٨. **خیام**: بخش پایانی *دیوان* خاوری را رباعیات تشکیل می‌دهد. شاعر در سرودن این اشعار به رباعیات خیام و فکر و شیوه شاعری او نظر داشته است؛ هر چند بسیاری از این رباعیات به لحاظ لفظ و محتوا شباهت چندانی به رباعیات خیام ندارند.

خیام:

چون عاقبت کار جهان نیستی است انگار که نیستی چو هستی خوش باش
(خیام، ١٣٧٤: ٩٠)

خاوری:

چون عاقبت کار جهان خاموشی است از هر چه گمان کنی خموشی اولی
(اس ١٨٣ ب)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

خیام:

می خور که پس از من و تو این ماه بسی از سلخ به غره آید از غره به سلخ

(خیام، ۱۳۷٤: ۱۸۰)

خاوری:

گر ماه به سلخ و غره کاهیده جمال ماهی است رخت که نیستش غره و سلخ

(اس ۱۷٦ ب)

در قصیده‌ای که در مدح محمود میرزا قاجار سروده از عنصری، سعدی و فردوسی یاد کرده که بیت اول تأییدی بر توجه شاعران دوران بازگشت و حامیان‌شان به دربار محمود غزنوی و شاعران عصر اوست:

مطرب او بذله گفت بر غزل عنصری خادم او طعنه زد بر ملک غزنوی

ای که بسی زیبدت گویی اگر بر ملا سعدی و فردوسی‌ام در غزل و مثنوی

(اس ٤۱ ب)

اگرچه خاوری از بنیان‌گذاران مکتب بازگشت نیست، اما به شیوهٔ شاعران این مکتب، به زیبایی به دنبال شاعران بزرگی چون حافظ، سعدی، خاقانی، انوری، خیام و عطار گام برداشته؛ در غزل به دو غزل‌سرای نامی شیراز خصوصاً حافظ توجه داشته و در وزن و قافیه، مضمون‌سازی، بیان اندیشه‌های دینی و اجتماعی و به‌کارگیری الفاظ و تعبیرات از شعر وی استفاده‌های بسیار برده است.

در قصیده نیز به شیوهٔ معمول شاعران دورهٔ بازگشت، به شعر شاعران سبک خراسانی و بینابین توجه داشته است؛ وجود روحیه شاد، توصیفات زیبا از نوروز در تشبیب‌ها و مدایح اغراق‌آمیز در قصاید و سادگی و روانی این اشعار یادآور قصاید شاعران بزرگ سبک خراسانی است. قصاید مشابه با قصاید شاعران سبک بینابین هم‌چون انوری، خاقانی و عثمان مختاری نیز در *دیوان* خاوری یافت می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

٤. ۲. اعتدال در به‌کاربردن آرایه‌های ادبی

یکی از ویژگی‌های اصلی شعر خاوری سادگی و روانی آن است. به‌طوری که در بسیاری از شعرهایش در قالب‌های مختلف یا هیچ آرایه‌ای به کار نرفته یا صرفاً چند آرایهٔ معمول هم‌چون تشبیه، تضاد و مراعات‌النظیر به کار گرفته شده و شاعر به جای پرداختن به صنایع پیچیدهٔ شعری با کمک تصاویر، مضامین و تعابیر زیبای شاعرانه، مفاهیم و معانی مورد نظر خود را به زیبایی بیان کرده است:

اگر از درد هجران بی‌قراری‌های من بینی — به زاری‌های من بخشی به خواری‌های من بینی
نمی‌گویم به بالینم بیا بهر پرستاری — بیا تا از غم خود جان‌سپاری‌های من بینی
چو می‌آیم به شوق دیدنت ناخوانده در مجلس — تغافل می‌کنی تا شرمساری‌های من بینی
برای امتحان یکره به قصد دوستدارانت — بکش خنجر که عهد غیر و یاری‌های من بینی
چنین ای دوست کز خاموشی من می‌شوی غمگین — چه خواهی کرد اگر یک لحظه زاری‌های من بینی
نخواهی کرد از جانان شکایت خاوری هرگز — اگر در کوی او بی‌اعتباری‌های من بینی
(اس ۱۵۰ ب)

آن‌جا که به صنایع شعری روی می‌آورد نیز اعتدال را رعایت می‌کند و با آن‌که اکثر آرایه‌ها را در شعرش می‌توان یافت، هیچ‌گاه خواننده در فهم این آرایه‌ها دچار اشکال نمی‌شود.

تشبیه، استعاره، تضاد، تناسب، تکرار، تجاهل‌العارف و... از آرایه‌های پرکاربرد در شعر خاوری است.

٤. ۲. ۱. تشبیه: از میان آرایه‌ها تشبیه بالاترین میزان کاربرد را دارد و تقریباً تمامی گونه‌های تشبیه در شعر او به کار رفته است. در این‌جا به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم:

تشبیه بلیغ:

ز فرط احتسابش عدل اندر جلوه چون آهو — ز بیم انتقامش فتنه اندر خواب چون ارنب
(اس ١٤ ب)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

تشبیه مؤکد:

سنگ ستم بر سر و بر دل سپاس تیر جفا بر دل و بر لب دعا
(اس ٤٦ الف)

تشبیه مرکب:

بر عذارش لب به باغ خلد جوی انگبین بر گلویش رگ به نهر شیر شاخ ارغوان
(اس ۱۲۷ ب)

٤. ۲. ۲. **استعاره**: میزان کاربرد استعاره در اشعارش نسبتاً کم است. استعاراتش پیچیده نیست و اغلب دوگونه معمول استعاره مصرحه و مکنیه را به کار برده است:

مصرحه:

چو کُشتی بار دیگر زنده از آن لعل نابم کن سرافراز از میان کشتگان روز حسابم کن
(اس ۱۳۰ ب)

مکنیه:

دست قضا نهال وجودت کند ز بیخ تا چند عمر صرف به تعمیر باغ و کاخ
(اس ۷۷ ب)

٤. ۲. ۳. **تضاد**: این آرایه نیز پرکاربرد است:

هم به جام موافقان حنظل هم به کام مخالفان شکرند
(اس ۹۲ الف)

٤. ۲. ٤. **متناقض‌نما:**

گفتار من به نام تو با آن‌که بی‌زبان پرواز من به بام تو با آن‌که بی‌پرم
(اس ۱۱۳ الف)

٤. ۲. ۵. **تجاهل‌العارف:**

به بالین خاوری آن ماه در خواب و یا در مهد زرین آفتاب است
(اس ٦۲ الف)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

٤. ۲. ٦. تکرار و تصدیر:

نه صحرایی شود لیلی نه خرگاهی شود مجنون تویی لیلی خرگاهی منم مجنون صحرایی
(اس ۱٤٥ الف)

کاربرد تلمیح، جناس، لف و نشر، تناسب، واج‌آرایی، حسن تعلیل و تشخیص نیز در اشعار شاعر قابل ملاحظه است که ارائه شاهد برای تمامی این آرایه‌ها از حوصلهٔ این مقاله خارج است.

٤. ۳. حذف، تعقید و عدم ترتیب اجزای جمله

حذف افعال و روابط در معانی، تعقیدات لفظی و معنایی و عدم ترتیب اجزای جمله از معایب شعری دورهٔ بازگشت ادبی است؛ شعر خاوری نیز از این معایب عاری نیست.

٤. ۳. ۱. حذف فعل:

ز سحر بیان طعنه بر نظم پروین به گرز گران رخنه در سنگ خارا
(اس ۱۱ ب)

٤. ۳. ۲. حذف حرف ربط "که":

یا گشت عیان هرآن گهر بود در مخزن شاهزاده مخزون
(اس ۳۹ الف)

٤. ۳. ۳. تعقید:

کی توانم گفتنش گردون که دارد روز و شب مطلع دست تو طالع مهر تابان کرم
(اس ۲۹ب)

بود جراره آتشفشان او طبیب‌آسا که درمان مریض خصم او را می‌کند از جب
(اس ١٤ ب)

٤. ۳. ٤. عدم ترتیب اجزای جمله:

مسخر آمده اینک تمام کشور چینش که دست داده به هم چین زلف و چین جبینش
(اس ۱۰٤ الف)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

٤. ٤. تفنن ادبی:

در مواردی نیز ابتکاراتی تفننی دارد از قبیل سرودن یک غزل که تمام حروف آن نقطه‌دار است یا سرودن یک قصیده که تمامی حروف کلمات آن مقطعه است.

٤. ٤. ۱. بیت زیر مطلع غزلی است که تمامی حروف آن نقطه‌دار است:

به شب پیش بت چینی نشینی بجز چین جبین چیزی نبینی

(اس ۱٤۷ الف)

٤. ٤. ۲. بیت زیر نیز مطلع قصیده‌ای است که حروفش تمام مقطع است:

در روز رزم دارا دارد دوان دوان ادوات رزم او را در دوش اردوان

(اس ۳٤ ب)

٤. ٥. ویژگی‌های صرفی:

٤. ٥. ۱. به کار بردن حرف اضافه "به" به جای حروف اضافه دیگر:

بازرفتم سرنهم آن سرو سرکش را به پای گرچه می‌دانم که از من باز سر خواهد کشید

(اس ۸۳ ب)

به جای با:

دوست با ما آشنا شد عشق در دل جا گزید گل به بلبل خوگرفت و شمع با پروانه ساخت

(اس ۷٦ الف)

به جای بر:

ظاهر به تو هرچه سرّ مخفی پیدا به تو هرچه راز مبهم

(اس ۲۸ ب)

٤. ٥. ۲. به کار بردن "بر" به معنی "برتر":

سریر شأن تو آن بر ز طارم افلاک سپهر جاه تو آن بر ز گنبد گردون

(اس ۳۸ الف)

٤. ٥. ۳. به کار بردن "که" به مفهوم عامیانه امروز:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

مشکل که در دم مرگ وصلش شود میسر جان را بسی شتاب است او را بسی درنگ است
(اس ٦٤ ب)

٤. ٥. ٤. به کار بردن "سهم" به معنی "ترس":

آسمان می‌خواست بوسد آستانت بارها سهم دربانان شه او را پشیمان کرد باز
(اس ٢٦ الف)

٤. ٥. ٥. به کار بردن "شب دوشین" به معنی "دیشب":

به بزم ما شب دوشین شراب کرد مباح امام شهر که امروز گفت حرمت راح
(اس ٧٧ الف)

٤. ٥. ٦. به کار بردن "دوش" به معنی "دیشب":

دوش خوابی دیده‌ام در ارتفاع دولتش آنچه دیدم خاوری در خواب آنم آرزوست
(اس ٦٨ ب)

٤. ٥. ٧. به کار بردن "ببین" به معنی "نگاه کن":

به ما ببین که نه عیب است دوستداری را جفا مکن که نه شرط است مهربانی را
(اس ٥٣ الف)

٤. ٥. ٨. به کار بردن "مانا" برای تشبیه:

آراست خویش رفت ندانم کجا رود مانا پی شکستن دل‌های ما رود
(اس ٧٩ ب)

٤. ٥. ٩. به کار بردن "یکره" به معنی "یکبار":

دشمنی بین که ز بیماری او مردم و باز یکره از ناز نپرسد که فلانی چون است
(اس ٦٧ الف)

٤. ٥. ١٠. به کار بردن "بودستم" به معنی "بوده‌ام": (میزان کاربرد این نوع فعل در شعر خاوری در مقایسه با شعر دیگر شاعران مرحله اول دورهٔ بازگشت بسیار کم است).

سال‌ها غواص بودستم به دریای وجود تا چنین یکتا دری را بر کران آورده‌ام
(اس ٣٢ الف)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

٤. ٦. ویژگی‌های کلی

٤. ٦. ١. استعمال برخی ترکیبات عربی: علاوه بر کاربرد کلمات عربی به شکل معمول، گاه ترکیبات عربی را خصوصاً در قصاید به کار برده است:

با چنان قدرت ورا رحمت چنین قلبی لدیه　　با چنان سطوت ورا رأفت چنین روحی فداه
(اس ٤٠ الف)

٤. ٦. ٢. ترکیب‌سازی

تغافل شعار:

به دلستان تغافل شعار ما گویید　　که شیوه‌های دگر هست دلستانی را
(اس ٥٣ الف)

شربت دینار:

اگر خود مالک دینار دارد درد مسکینی　　بود در روزگاران شربت دینار درمانش
(اس ٢٨ ب)

کرم رسم:

ای کرم رسمی که از فرط کرم بر این و آن　　در جهان یزدان تو را کرده است یزدان کرم
(اس ٢٩ ب)

٤. ٦. ٣. **واژگان کلیدی** (کلماتی که کاربرد آن‌ها در *دیوان* زیاد است).

رقیب (و مترادفات آن چون غیر، مدعی، دیگران، بوالهوس):

بهر قتلم تا به کی نیرنگ سازد با رقیب　　با خریداران تیغش حاجت نیرنگ نیست
(اس ٧٣ ب)

تا همم منت نهد بر جان هم از رشکم کشد　　آمد و از من مکان غیر را پرسید و رفت
(اس ٧٠ ب)

گمانی داشتم در الفتت با مدعی لیکن　　کنون نزدیک آن شد تا یقین سازی گمانم را
(اس ٥٠ الف)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

خواست آرد در کمند خویش پـای دیگـران نز ره الفت اگر دستم به دسـت انـدر گرفـت
(اس ۷۱ الـف)

ز بس پیوسته حرف بوالهوس را در میان آری گمان‌هایی که دارم ترسم از دل بر زبـان آری
(اس ۱۵۰ ب)

دل (اغلب با زلف همراه است):

باز سوی شانه بردی دست و اندر زلف خویش صد دل دیوانـه را در اضـطراب انـداختی
(اس ۱۵۲ ب)

به بنـد زلف او باشـد هـزاران عقـده از دل‌هـا گره بستن به بند آری بـود قـانون طـراران
(اس ۱۲۸ الف)

برق (اغلب با خرمن همراه است):

برق را بر کِشتهٔ سرسـبز نبـود دسـترس جهد کن تا کِشتهٔ سرسبز خود خرمن کنـی
(اس ۱٤۸ ب)

صید و صیاد:

ای صبا با صیدکش صیاد بی‌پـروای مـا قصه‌ای از حسرت این طـایر بـی‌پـر بگـو
(اس ۱۳٤ الف)

خط:

تیر آهم به تو ای ساده جوان کـار نکـرد آه از آن دم که خط آری و زره‌پـوش شـوی
(اس ۱٥٤ الف)

۵. نتیجه

عصر قاجار در نوع خود دوره‌ای حایز اهمیت و قابل تحلیل و تحقیق در تاریخ ادب فارسی است. اگرچه آثار شاعران طراز اول این عصر هم‌چـون نـشاط، مجمـر، سـحاب، مفتون، وصال، سروش، قاآنی و... تصحیح و تا اندازه‌ای تجزیه و تحلیل شده اسـت، امـا هنوز هستند شاعرانی که در پرده گمنامی مانده‌انـد و اگـر آثـار آن‌هـا خـصوصاً دیـوان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

اشعارشان تصحیح و تحلیل شود، علاوه بر آن‌که بر غنای زبان و ادب فارسی می‌افزاید، گوشه‌هایی تاریک از اوضاع ادبی و اجتماعی ایران در این دوران را روشن می‌سازد.

توجه شاعران این دوره به شعر شاعران سبک خراسانی و عراقی، دلایل تاریخی و اجتماعی دارد و در راستای این تقلید، گاه بارقه‌هایی زیبا در شعر و ادب فارسی پدیدار گشته که نشر و تحلیل آن‌ها می‌تواند ذوق علاقه‌مندان و دوستداران خاص خود را سرشار سازد.

دیوان اشعار خاوری شیرازی یکی از آثار ارزشمند این دوران است و چون شاعر از منشیان و تاریخ‌نویسان دربار و از نزدیکان وزرا و رجال قاجار بوده، گاه نکات تاریخی و اجتماعی قابل تأملی را در اشعار خود، خصوصاً قصاید و قطعات، مطرح کرده است. وی اگرچه شاعر غزل است و قصایدش به لحاظ حجم، استواری و تنوع موضوع به پای قصاید شاعران بزرگ قصیده‌سرای دوره بازگشت هم‌چون صبا، سروش، وصال و قاآنی نمی‌رسد، اما این قصاید در نوع خود اشعاری روان با موضوعاتی قابل تأمل هستند که از لحاظ رتبه می‌توان آن‌ها را نزدیک به قصاید شاعر بزرگی چون نشاط اصفهانی به شمار آورد.

قطعات خاوری نیز هم به لحاظ زبان و هم به لحاظ موضوع با قطعات شاعران معروف عصر قاجار برابری می‌کند.

اما خاوری بیش از هر چیز شاعر غزل است و بسیاری از غزلیات او را می‌توان در ردیف غزلیات شاعرانی چون نشاط و فرصت ـ منهای برخی غزلیات ممتاز نشاط ـ به شمار آورد. غزل خاوری با غزل شاعرانی چون وصال شیرازی، یغمای جندقی و مسکین اصفهانی نیز قابل مقایسه است.

به هر حال ذوق و استعداد ذاتی و بیش از چهل سال ممارست در نویسندگی و سرودن شعر باعث شده تا آثار ارزشمندی از وی به یادگار ماند و این آثار می‌تواند

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

زمینه‌های مناسبی را جهت شناخت اوضاع اجتماعی عصر شاعر و بررسی زیبایی‌ها و احیاناً نارسایی‌های شعر در دوره بازگشت ادبی فراهم نماید.

پی‌نوشت

۱. برای تفصیل بیشتر ر.ک. بهار، «بازگشت ادبی»، *ارمغان*، سال ۱۳، ۷۱۶- ۷۱۹.

۲. این دو بیت از قطعه‌ای است که در نسخه اساس نیامده و از نسخه شمارهٔ ۲۵۰۸۰ موجود در کتابخانه ملک که آن را با علامت "مک" مشخص کرده‌ایم نقل شده است؛ بقیهٔ ارجاعات از *دیوان* شاعر در این مقاله از نسخهٔ اساس با شمارهٔ ۱۴۴ ق ۲۱۶ موجود در کتابخانهٔ اصغر مهدوی نقل شده که علامت اختصاری آن "اس" است.

۳. برای تفصیل بیشتر، ر.ک. محمودمیرزا، ۱۳۴۶: ۵۵۷؛ دنبلی، ۱۳۴۲: ۷۸؛ گروسی، ۱۳۷۶: ۱۱۶؛ دیوان‌بیگی، ۱۳۶۴: ۵۳۵.

۴. این کتاب به تصحیح ناصر افشارفر توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۰ چاپ شده است.

۵. مؤلف *ذهبیه تصوف علمی ـ آثار ادبی* در حاشیه صفحه ۳۶۳ از نسخهٔ منحصر به فرد آن که در کتابخانه او موجود بوده، یاد کرده است.

۶. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این منظومه ر.ک. اته، ۲۵۳۶: ۵۳؛ متنی از این منظومه نیز به خط عباس منظوری در سال ۱۳۶۹ توسط انتشارات نوید شیراز چاپ شده است.

۷. ر.ک. گروسی، ۱۳۷۶: ۱۱۷؛ دنبلی، ۱۳۴۲: ۸۰؛ دیوان‌بیگی، ۱۳۶۴: ۵۲۷؛ محمودمیرزا، ۱۳۴۶: ۵۵۹.

۸. در این باره ر.ک. دنبلی، ۱۳۴۲: ۸۰؛ فسایی، ۱۳۸۲: ۹۴۵؛ گروسی، ۱۳۷۶: ۱۱۷.

۹. در این باره ر.ک. محمودمیرزا، ۱۳۴۶: ۵۵۷؛ دنبلی، ۱۳۴۲: ۸۰؛ هدایت، ۱۳۳۹: ۲۸۵.

۱۰. خاوری از منشیان و نثرنویسان مهم دورهٔ بازگشت نیز محسوب می‌شود که بررسی و تحلیل نثر او مجالی دیگر می‌طلبد و از حوصلهٔ این مقاله خارج است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

منابع

آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۷۵) «بازگشت ادبی». *دانشنامه جهان اسلام*. چاپ دوم. زیر نظر سیدمصطفی میرسلیم. تهران: دانشنامه.

اته، هرمان (۲۵۳۶) *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمه رضازاده شفق. چاپ دوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

انوری، محمدبن علی (۱۳۷۲) *دیوان*. به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی. چاپ دوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

بهار، محمدتقی (۱۳۱۱) «بازگشت ادبی». *ارمغان*. سال ۱۳. ش ۱۰.

ـــــــــــ (۱۳۶۹) *سبک‌شناسی*. جلد سوم. تهران: امیرکبیر.

حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲) *دیوان*. به تصحیح پرویز ناتل خانلری. تهران: خوارزمی.

حمیدی شیرازی، مهدی (۱۳۶۴) *شعر در عصر قاجار*. تهران: گنج کتاب.

خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۷۳) *دیوان*. به کوشش ضیاءالدین سجادی. تهران: زوار.

خاوری، اسدالله (۱۳۶۲) *ذهبیه تصوف علمی ـ آثار ادبی*. تهران: دانشگاه تهران.

خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۶۹) *احسن القصص یا یوسف و زلیخا*. به خط عباس منظوری. شیراز: نوید.

ـــــــــــــــــــ (۱۳۸۰) *تاریخ ذوالقرنین*. به تصحیح ناصر افشارفر. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ـــــــــــــــــــ (۱۳۸۱) *سرگذشت فتحعلی‌شاه*. به تصحیح ناصر افشارفر. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی اهل قلم.

خیامپور، عبدالرسول (۱۳۶۲) *فرهنگ سخنوران*. تهران: طلایه.

دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۴۲) *نگارستان دارا*. به کوشش عبدالرسول خیامپور. شرکت چاپ کتاب آذربایجان.

دیوان اشعار خاوری. خطی شمارهٔ ۲۵۰۸۰. محفوظ در کتابخانهٔ ملی ملک. تهران.

دیوان اشعار خاوری. خطی شمارهٔ ۱۴۴ق ۲۱۶. کتابخانهٔ اصغر مهدوی. تهران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

دیوان‌بیگی شیرازی، سید احمد (١٣٦٤) *حدیقة‌الشعراء*. تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی. تهران: زرین.

رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۳۸) *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*. تهران: کتابفروشی اسلامیه.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱) *سیری در شعر فارسی*. چاپ سوم. تهران: علمی.

سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۷۳) *کلیات*. به تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.

شمس لنگرودی، محمد (۱۳۷۲) مکتب *بازگشت*. تهران: مؤلف.

شمیسا، سیروس (١٣٧٤) *سبک‌شناسی شعر*. تهران: فردوس.

طرب بن همای شیرازی (١٣٤٢) *دیوان*. با مقدمه جلال‌الدین همایی. تهران: کتابفروشی فروغی.

طهرانی، آقابزرگ (۱۹۸۳) *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. القسم الثالث من الجزو التاسع. الطبعه الثالثه. بیروت: دارالاضواء.

عطار، فریدالدین (۱۳۷۱) *دیوان*. به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی. تهران: علمی و فرهنگی.

فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۲) *فارسنامهٔ ناصری*. به تصحیح منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.

قاجار، محمودمیرزا (١٣٤٦) *سفینة‌المحمود*. تصحیح و تحشیهٔ عبدالرسول خیامپور. مؤسسهٔ تاریخ و فرهنگ ایران.

کریستن‌سن، آرتور (١٣٧٤) *بررسی انتقادی رباعیات خیام*. ترجمهٔ فریدون بدره‌ای. تهران: توس.

گروسی، فاضل‌خان (١٣٧٦) *تذکرهٔ انجمن خاقان*. با مقدمهٔ توفیق سبحانی. تهران: روزنه.

مختاری، عثمان (۱۳۸۲) *دیوان اشعار*. به اهتمام جلال‌الدین همایی. تهران: علمی و فرهنگی.

منزوی، احمد (١٣٤٨) *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*. جلد ۳. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی منطقه‌ای.

میرباقری فرد، سیدعلی اصغر (١٣٨٤) «بازگشت ادبی». *دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی*. زیر نظر اسماعیل سعادت. تهران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]

نشاط اصفهانی، میرزا سیدعبدالوهاب (۱۳۳۷) *دیوان*. به کوشش حسین نخعی. تهران: مؤسسهٔ مطبوعاتی شرق.

نواب شیرازی، میرزا علی‌اکبر (۱۳۷۱) *تذکرهٔ دلگشا*. تصحیح و تحشیهٔ منصور رستگار فسایی. شیراز: نوید.

هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۳۹) *مجمع‌الفصحاء*. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1388.17.65.11.2]